داکتر سید خلیل الله هاشمیان ۲۰۱۶/۰۸/۱۴

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه ای در چگونگی ایجاد "قاموس نگهت–هاشمیان"

سوابق و پس منظر این پروژه

هموطن محترم جناب آقای محمد اکبر بارکزی در مقالهٔ مورخ 15 ماه می 2015 شان منتشرهٔ پورتال وزین افغان – جرمن آنلاین از اهل خبره و زبان شناسان افغان در مهاجرت تقاضا کردند تا "دانشی راکه به پول مالیهٔ مردم غریب افغانستان فراگرفته بودند...در خدمت انکشاف زبان و ادبیات کشور به کار برند. به طور مثال، ما برای زبان دری، بعد از غیاث اللغات چیزی به نام فرهنگ لغات زبان دری نداریم- اگر دانشمندان افغان غیاث اللغات را اساس قرار داده و فرهنگ لغات جا مع تر و مطابق به تقاضای عصر و زمان تدوین می کردند، امروز دری زبانان افغانستان مجبور به مراجعه به فرهنگ های لغات ایرانی دست خورده در راستای عظمت طلبی و فرهنگ دزدی ایرانی، نمی بودند..."

تیم کاری افغان– جرمن آنلاین و همکاران شان که از ابتدای سال 2015 مقالات متعددی به قسم پروتست پیرامون مداخلات و نفوذ روزافزون ایران و ایران مشربی تلویزیون های (طلوع)، (آریانا) و (یک) و استعمال روزافزون کلمات و اصطلاحات فارسی ایران در نشرات داخل افغانستان، منتشر ساخته بودند، پیشنهاد آقای محمد اکبر بارکزی را لبیک گفته، قاموس دری - انگلیسی پوهاند نسیم نگهت را که مقبولیت آن از جانب دانشمندان افغان، به شمول انجنیرخلیل الله معروفی، تائید شده بود، به حیث یک نمونه قبول نموده، آنگاه از اهل خبره، قلم بدستان، شاعران و زبانشناسان افغان در مهاجرت تقاضا کردند تا در یک حلقهٔ فرهنگی جمع شده، بالای تدوین یک قاموس جدید زبان دری به طور دسته جمعی همکاری کنند. به تکرار نوشتیم که ما پروژهٔ (قاموس زبان دری) را ملکیت همه دری زبانان دانسته، حق شمول و همکاری را درین پروژهٔ برای همه قایل می باشیم. این تقاضا ها مدت دو ماه در پورتال افغان – جرمن آنلاین نشر شد و موضوع به طول انجامید و از موقف افغانها در اروپا آقایان انجنیر معروفی و هاشم سدید در مقالات شان نمایندگی می کردند که همه مقالات در ویبسایت های افغان – جرمن آنلاین و آزاد افغانستان-افغانستان آزاد نشر شده اند. متأسفانه، همکاری دسته جمعی برای تدوین قاموس زبان دری میسر نگردید و سیدخلیل الله هاشمیان منحیث یگانه زبانشناس موجود در مهاجرت و مربوط به تیم کاری پورتال افغان – جرمن آنلاین، مجبور شد کار قاموس دری را از طریق ترجمهٔ قاموس دری- انگلیسی پوهاند نگهت به تنهایی در ماه جولای سال 2015 شروع کند.

تاریخچهٔ قاموس دری- انگلیسی پوهاند نگهت

ضرورت تدوین این قاموس در پوهنتون نبراسکا-امریکا احساس گردید که در آنجا مرکز تحقیقات افغانستان شناسی و یک کتابخانهٔ مجهز از آثار مطبوع در افغانستان و در بارهٔ افغانستان نیز وجود دارد- درین پوهنتون برای افغان هایی که به مصرف امریکا، زبان انگلیسی وعلوم دیگر را می آموزند وهم برای امریکائی هایی که از جانب مؤسسات مختلف امریکایی برای خدمات مختلف، دیپلومات ها، مشاورین ملکی و نظامی، خصوصا "پیس کورها– PEACE CORPS)، به افغانستان اعزام می شوند، تسهیلات مختلف برای آموختن زبان دری میسر می باشد، چنانچه زبان دری از سال 1974 به این طرف به حیث یک زبان خارجی، متفاوت با فارسی ایران، درین پوهنتون تدریس میشود- بنابرآن دولت و مؤسسات امر یکا پول هنگفت برای تدریس و آموختن زبان دری به پوهنتون نبراسکا میدهند- در اثر تقاضای اشخاص و مؤسسات امریکا در سال 1990 برای تدوین یک قاموس دری-انگلیسی بودجه ای درین پوهنتون تخصیص یافت که اهداف آن قرار ذیل بود:

(الف) انتخاب کلمات ضروری برای خارجیان از قاموس های موجود زبان دری

(ب) نوشتن تلفظ کلمات دری به حروف لاتین، با تشخصیص سیلاب های شامل در هر کلمه

(ج) تشریح روش و اصول ساختمان کلمات دری که مثلا چطور از یک اسم صفت و قید ساخته می شود، چطور از ریشهٔ فعل ترکیبات و معانی مختلف ساخته میشود، و امثالهم.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

(د) نکتهٔ مهم دیگر درین قاموس، ترجمهٔ کلمات دری و کلمات عربی دخیل در زبان دری به زبان انگلیسی بود که درین مورد به خاطرموجودیت دانشمندان و زبان شناسان امریکایی، عربی و افغان در پوهنتون نبراسکا و هم در مؤسسات دیگر امریکایی و مشوره با آنها، سعی بلیغ به خرچ رفته تا معادل کلمات دری و معانی مختلف آنها به زبان انگلیسی ارائه شود.
برای این کار استادی با تجربه و صلاحیت در زبان و ادب دری ضرورت بود که در مهاجرت بهتر از مرحوم پوهاند نسیم نگهت میسر نبود و او را استخدام کردند- مرحوم پوهاند نگهت همراه با دو زبان شناس، دوتایپست و دو فراخوان (از هر کدام یکی افغان و یکی امریکایی)، و با مشورت به یک درجن از دانشمندان و زبان شناسان دیگر که اسامی شان در مقدمهٔ قاموس درج می باشد، این قاموس را در مدت چهار سال در مرکز پوهنتون نبراسکا تکمیل کرد.
انتخاب ما برای استفاده از قاموس دری- انگلیسی پوهاند نگهت، به منظور تدوین یک قاموس خالص دری به داخل پروژهٔ وسیع "قاموس کبیر افغانستان" به اساس مجبوریت صورت گرفت، زیرا یکسال قبل که ما به اینکار شروع کردیم، قاموس یا فرهنگ بهتری بدسترس ما قرار نداشت. از آنجائی که مرحوم پوهاند نگهت، استاد معروف و شناخته شدهٔ پوهنتون کابل، حدود بیست هزار کلمهٔ سچه و اصیل زبان دری و کلمات وامگیری شدهٔ عربی تابع دستور زبان دری را در قاموس خود گنجانیده، یعنی در انتخاب ایشان اصالت کلمات دری، در مقایسه با کلمات فارسی ایران، حفظ شده است، به طورمثال، از حدود 1000 کلمهٔ فارسی موجود در ردیف / آ / = /aa/ در قاموس یک جلدی حسن عمید، 526 کلمهٔ دری و تابع دری در قاموس نگهت درج شده و همین تناسب و روش انتخاب گلچین در اکثر ردیف ها به مشاهده می رسد، لهذا ما قاموس نگهت را اساس کار خود قرار دادیم. البته تعداد کلمات فارسی ایرانی در فرهنگ (دهخدا) و فرهنگ (داکتر محمد معین) به مراتب بیشتر از قاموس حسن عمید میباشد.
من از تجربهٔ خود که دستور زبان دری را در صنوف اول پوهنځی ادبیات تدریس می کردم، به خاطر دارم که شاگردان سیلاب های کلمات زبان را درست تشخیص نمی توانستند- اینکار را پوهاند نگهت در قاموس خود به درستی و با مهارت انجام داده است. درستی تلفظ کلمات دری درین قاموس به خاطری قابل تذکر می باشد که مرحوم پوهاند نگهت خودش از اهل بدخشان بوده، لیسه را در بدخشان و پوهنځی ادبیات را در کابل تمام کرده و حدود بیست سال مضامین مختلف مربوط به زبان و ادبیات دری را تدریس کرده است. یک نمونه از تشخیص سیلاب ها درین قاموس ذیلا ارائه میشود:
آفتاب / aaf.taab / دو سیلاب. آفتابی / aaf.taa.bee / سه سیلاب. آفتاب زده / aaf.taab.za.da / چهار سیلاب، آفتاب زده گی / aaf.taab.za.da.gee/ پنج سیلاب – آفتاب گرفته گی / aaf.taab.gi.rif.ta.gee / شش سیلاب.

رهنمودی در قاموس دری نگهت – هاشمیان

جدولی که آقای انجنیر قیس کبیر برای درج کلمات زبان دری ترتیب کرده، دارای پنج ستون میباشد:
ستون (A): که درآن اصل کلمه به زبان دری درج می باشد، مثلا کلمهٔ / آبا دان / تحت نمبر مسلسل 13.
ستون (B): که در آن اصل کلمه به زبان دری با طرز تلفظ آن به حروف لاتین درج می باشد، مثلا: آبادان /aa.baa.daan/. این ابتکار را پوهاند نگهت بار اول در قاموس نگاری رایج ساخته که خصوصا برای خارجی ها و هم برای افغانها مفید و آموزنده می باشد.
ستون (C): معنی: که در آن معنی (معانی) عین کلمه از انگلیسی به دری ترجمه شده، مثلا: کلمهٔ آبادان (نمبر مسلسل13): به معنی مسکون، مملو از سکونت و آبادانی. در متون قدیمی به معنی معمور و سر تا سر آباد. در متون به معنی سرسبز و حاصلخیز. – در متون به معنی چاق، فربه – نام یک شهر در جنوب غرب کشور ایران- معنی این کلمه در زبان پشتو / ودان. wadaan/ است که با زبان دری ریشهٔ مشترک آریایی دارد.
یادداشت: پوهاند نگهت در قاموس خود معانی هر کلمه را به طور نمبر مسلسل (1)، (2)، (3) و... درج کرده، اما من در اکثر موارد، به خاطر اقتصاد وقت و جای، برای جدا ساختن هر معنی، به عوض نمبر مسلسل ازین علامه " . " کار گرفته ام.
ستون (D) ماهیت دستوری کلمهٔ /آبادان/: صفت. اسم خاص و اسم مکان.
صفت کلمه ایست که خصلت، حالت و چگونگی کسی یا چیزی را بیان کند، و به دو نوع است: یکی کلمات مستقلی که معنی صفت در خود کلمه موجود است و دستور های ایرانی آنرا (صفت مطلق) خوانده، از قبیل: سفید- سیاه– لاغر- فربه. کوچک – بزرک – تلخ- شیرین – زرنگ. تنبل و غیره.
نوع دوم کلمات ترکیبی است که با پسوند ها ساخته میشود، مثلا: آباد + پسوند /- آن/ = آبادان – رو+ پسوند /- آن/= روان – گوی + پسوند / -آن/ = گویان.

باپسوند /-انده/ + صیغهٔ امرفعل، مثلا: باف +انده = بافنده. خوان +انده= خواننده – رو + انده = رونده (این نوع کلمات را قاموسهای ایرانی "اسم فاعل" نیز خوانده اند.)
با پسوند /- گار/ + صیغهٔ امر فعل، مثلا: پرهیز + گار= پرهیزگار – آفرید+ گار= آفریدگار – آموز+ گار= آموزگار.
باپسوند /- گر/ + اسم معنی یا صیغهٔ ماضی فعل، مثلا: ستم + گر= ستمگر – رامش + گر= رامشگر – داد + گر = دادگر – (البته با پسوند /- گر/ ترکیبات دیگری هم ساخته میشود از قبیل (سوداگر – زرگر – مسگر) که آنرا (اسم حرفه) نیز خوانند.
با پسوند /- ی/ + اسم عام یا خاص، مثلا: هند + -ی = هندی – پاکستان + -ی = پاکستانی – رمین + -ی = زمینی – هوا + -ی + هوایی و امثالهم.
باپسوند /- این/ + اسم، مثلا: سیم +. این = سیمین – زر + -این = زرین. نمک + -این = نمکین – پشم + -این = پشمین .
وهرگاه پسوند /-هه/ به پسوند /-این/ اضافه شود = / -اینه/ میشود که از آن ترکیبات صفت از قبیل (پشمینه – زرینه – سیمینه) ساخته میشود.
تشریحات فوق پیرامون اصول ساختمانی کلمات (صفت) در زبان دری برای افغان ها در مهاجرت مفید خواهد بود.
ناگفته نماند که در همین ستون / D / در زمرهٔ ماهیت دستوری کلمات، از موجودیت (قید) نیز ذکر و توضیح شده.
قید کلمه ایست که مفهوم فعل یا صفت را به زمان و مکان یا چگونگی و حالتی مقید سازد، و اقسام مختلف دارد: قید زمان (دیر- زود- همواره- ناگهان- دوش. پار) – قید مکان (آنجا- اینجا – هرجا- پائین – بیرون چپ – راست). قید مقدار (اندک – بسیار- بیش – کم – فراوان – بسی) – قید نفی (نه – هرگز- هیچ – به هیچوجه) – قید تاکید (بی گمان – البته – لابد – ناچار- بی گفتگو) – قید شک و ظن (مگر – شاید – گویی – پنداری) – قید تشبیه (چنین – چنان – همانا).
یادداشت ضروری مربوط به ستون (D) ماهیت دستوری کلمه: مرحوم استاد نگهت اسمیه ها (تمام کلماتیکه در دستور زبان دری اسم خوانده میشود) را تنها "اسم" نشانی کرده است، در حالیکه اسم در دستور زبان دری به نامهای مختلف شناخته شده که ذیلا گزارش میبابد:
اسم عام: آب – درخت – خانه – موتر –انگور، قلم و غیره (اسم ذات نیز شامل این کتگوری می باشد).
اسم خاص: کابل – بلخ. شهرآراء – واشنگتن – بچهٔ سقاء (سقو) – ناپلیون – امان الله خان (پادشاه) – لینن – ویکتوریا (ملکه) – سالنگ – بامیان – کوچهٔ چقورک – پوهنتون کابل (اسم مکان نیز شامل این کتگوری می باشد) .
اسم مکان: لشکرگاه – زایشگاه – سرچوک – بازار سراجی – چمن حضوری – حویلی. تپهٔ مرنجان – وزارت وزارت معارف. چهارراهی ملک اصغر – پغمان – کوتهٔ سنگی و غیره (اسم خاص نیز شامل این کتگوری میتواند باشد).
اسم معنی: هوش – خرد – دانش – عشق – تصور – فقر – ذلت – استعداد – اتهام – اجتناب. و غیره.
اسم زمان: روز – شب. ماه – سال – بامگاه – شامگاه – سحرگاه – وغیره.
اسم عدد: دو – چهار – یازده – هشناد – چهار صد – هزار. و غیره.
اسم آلت: قیچی – بیل – اره – چکش (و همه ادات، آلات و افزاری که به کار دلالت کنند).
اسم ذات: انسان – حیوانات – پرنده گان – مار- گژدم- مگس – پشه – کتاب – کاغذ - (و هر چیزی که به چشم دیده شود).
اسم ظرف: کاسه – کوزه – دیگ – پیاله – چاینک. خریطه – جوال. و غیره (اینها را اسم ذات نیز خوانند).
اسم تصغیر: مردک – پسرک – باغچه – کوچه – دریچه – چوچه گک. و امثالهم.
اسم حرفه: نجار – گلکار – مسگر – کلاه دوز – مستری – دریور – موتران – گادی ران – خرکار – دهقان – پهلوان – سپورتمین. نداف – صراف. زر گر – خیاط . و امثالهم.
اسم جمع یا (اسم توده): رمه – لشکر – سپاه. طایفه – خرمن – تولی – لوا – فرقه – وغیره.
اسم فاعل: این عنوان از دستور زبان عربی تقلید شده و قاموس نگاران ایرانی ترکیباتی از قبیل: گوینده – نویسنده – دونده – رونده – دهنده- کننده. زننده – شنونده – خورنده- بافنده و امثالهم را به تقلید ازعربی اسم فاعل خوانده اند- انتخاب این نام و عنوان (اسم فاعل) اختیاری است- از لحاظ ساختمان، ترکیبات فوق از: صیغهٔ امرفعل + پسوند /. انده/ ساخته میشود .
اسم مفعول: این عنوان ا ز دستور زبان عربی تقلید شده و قاموس نگاران ایرانی ترکیباتی از قبیل: زده شده – کشته شده – دیده شده – داده شده و امثالهم را به تقلید از عربی اسم مفعول خوانده اند- انتخاب این نام و عنوان (اسم مفعول) اختیاری است. از لحاظ ساختمان ترکیبات فوق از: صیغهٔ ماضی فعل + پسوند /. ه / ساخته میشود.

اسم تفضیل: /- تر/ و /- ترین/: دو پسوندی که در کیفیت صفت می افزاید .
اسم مصدر: رفتن – خوردن – زدن- نشستن – دیدن – خواب کردن. قول دادن – تهمت زدن – خرج کردن – تماشانمودن. قمارزدن – توت چیدن. (عنوان اسم مصدر شاید از زبانهای دیگر اقتباس شده باشد، اما در دستور زبان دری کلمهٔ (مصدر) به معنی وقوع یک کار، یک عمل یا یک مصروفیت دماغی شنا خته شده، و به دو نوع می باشد:
مصدر مستقل: که پسوند یا پیشوند نمی پذیرید، و دو نوع باشد " یکی با /- تن/ ساخته شود، مثلا: گفتن- خواستن – رفتن وغیره – دیگری با /. دن/ ساخته شود، مثلا: دادن – بردن – زدن – خریدن و غیره.
مصدرمرکب: که از یک کلمه و یک فعل معاون ساخته میشود، مثلا: دروغ گفتن. خبر گرفتن. قرض دادن – پرورش یافتن – فکر کردن و امثالهم.
ازمشتقات مصدر، با ایزاد پیشوند و پسوند ترکیبات مختلف ساخته میشود، مثلا:
از صیغهٔ امر مصدر گفتن که / گو (ی)/ است: بدگو – حقگو- راستگو. گویا – گوینده. و امثالهم .
از صیغهٔ ماضی مصدر گفتن که / گفت / است: گفتار – گفتنی – گفت و گو. و امثالهم.
از صیغهٔ امر مصدر رفتن که / رو/ است: پس رو – تیز رو- خود رو – رونده – روال- و امثالهم.
از صیغهٔ ماضی مصدر رفتن که / رفت/ است: پیشرفت – پسرفته. بدررفت – رفتار– رفت و رو– رفتنی. و امثالهم
در زبان دری بعضا دو مصدر یک معنی میداشته باشند، مثلا: خفتن و خوابیدن – جَستن و جهیدن – جُستن و پالیدن .
اصطلاحاتی از قبیل (مصدر ثلاثی) – (مصدرغیر ثلاثی) – (مصدر جعلی) – (مصدر بسیط) – (مصدر مرخم) وغیره، اینها همه از دستور زبان عربی تقلید شده و در زبان دری غیر قابل تطبیق میباشند.

قاموس نگاران ایرانی به تقلید از دستور عربی پنج نوع **(اسم مصدر)** تشخیص و فهرست کرده اند- چنین به نظرمیرسد که 80 سال قبل وقتی قاموس نگاری در ایران رونق یافت، معیار های علم زبانشناسی به ارتباط اصول ساختمانی کلمات زبان، هنوز در ایران نرسیده بود، زیرا در آنوقت به تقلید از زبانهای دیگر، برای هر ترکیب و هر ساختمان لفظی نامی گذاشته اند، که از آنجمله یکی هم "مصدر شینی" است، و این نام را بالای ترکیباتی از قبیل: آموزش – بخشش – پرورش – پرسش – پژوهش. و امثالهم به خاطری گذاشته اند که حرف /ش/ در اخیر این کلمات واقع شده است. اما ایرانی ها غافل از دستور و اصول ساختمانی زبان دری به چنین بدعت تن داده اند، زیرا حرف (صوت) /ش/ در اخیر کلمات مذکور در حقیقت پسوند / -اش/ است که مرکب از دوصوت بوده و یکی از مهمترین پسوندهای زبان دری است و چند رول دستوری را انجام میدهد:

- یک) **رول ملکیت:** کتاب – قلم – زمین – موتر – وطن. + /- اش/ = کتابش – قلمش – زمینش – موترش – وطنش. در کلمات مختوم به / -ه/ (هه هوز)، مثلا: خانه – تغاره – ستاره + /- اش/ = خانه اش – تغاره اش – ستاره اش . دربعضی از ترکیبات مختوم به / واول/، /-اش/ به /- یش/ تبدیل میشود، مثلا: کتابهایش – کدویش – لیمویش.
- دو) **رول بیان حالت:** با ساختمانهای مصدری (افعال) از قبیل: رفتن – خوردن – دیدن – گفتن – خوابیدن + /. اش/ = رفتنش – خوردنش – دیدنش – گفتنش – خوابیدنش. ترکیباتی برای بیان حالت میسازد.
- سه) **نوع دیگر بیان حالت یا سلوک:** درترکیباتی که از صیغهٔ ماضی فعل + پسوند /- آر/ ساخته میشوند، از قبیل: گفتار- دیدار – رفتار – کُشتار. هرگاه پسوند / -اش/ اضافه شود: گفتارش – دیدارش – رفتارش – گفتارش – درچنین ترکیبات ازلحاظ معانی بیان حالت یا سلوک وجود دارد- نام وعنوان "بیان حالت یا سلوک" را هاشمیان انتخاب کرده، اهل خبره میتوانند نام دیگری پیشنهادنمایند.
- چهار) **رول حالت مفعولی:** آورد – زد. + /- اش/ = آوردش – زدش (زدیش).
- پنج) **رول حالت امر و التزام:** پیشوند / به -/ + زن = بزن + /. اش/ = بزنش – بزنیش .
- شش) **رول اسم معنی:** از صیغهٔ امر مصدر (فعل) مثلا: رو– بین – خور – خار – سوز. گو – ده – گیر. + /- اش/ = روش – بینش- خورش – خارش. سوزش. گویش – دهش – گیرش. اسم معنی ساخته میشود.

همزه و تنوین:

مرحوم پوهاند نگهت املای همزه در کلمات عربی را در قاموس خود قطعا رعایت نکرده و هاشمیان نیز همین روش را تعقیب کرده است. اما املای کلمات دارای تنوین را به خاطر تلفظ درست آنها به حروف لاتین رعایت نموده است، به طور مثا ل، هرگاه کلمات عربی دارای تنوین را بدون علامت تنوین بنویسیم: (مثلا – اصلا – واقعا

– حقیقتا – لطفا – اصولا- و...)، افغان ها این کلمات را با رعایت صوت تنوین / an- / میخوانند: (ma.sa,lan/ -/ as.lan /. /lot.fan/ و...)-- مرحومین پوهاند رحیم الهام، نسیم نگهت و هاشمیان در اثنای تدریس در پوهنځی ادبیات، در حالیکه اهمیت صوت همزه را در کلمات عربی و موقعیت سه جانبهٔ آنرا در اول- مابین و انجام کلمات عربی تشریح میکردیم و مثالها می دادیم، اما رعایت املای همزه را در نگارش سفارش نمی کردیم، زیرا املای صوت همزه و علامهٔ تنوین در جراید، مطبوعات، کتب چاپ شده در مطبعهٔ دولتی و مطبعهٔ پوهنتون رعایت نمی شد و تنها در آثار دینی و مذهبی رعایت می شد- در دههٔ 1940 که پوهنځی ادبیات در چوکات پوهنتون کابل قبلا تاسیس شده بود، و درآنوقت دستور زبان دری به تقلید از دستور زبان عربی تدوین شده بود و تدریس می شد، تحریکی به ضد استیلای کامل زبان عربی در پوهنځی ادبیات شروع شده بود که یک قسم آن همین عدم رعایت املای همزه و تنوین در نگارش بود، چنانچه من به حیث یک شاگرد همان دبستان تا امروز (املاء – انشاء) را بدون همزه و (کلا – اصولا – قطعا) را بدون علامهٔ تنوین مینویسم.

از جانب دیگر، تلفظ صوت همزه برای افغانهایی که عربی نخوانده و نمی فهمند، مشکل است، زیرا مخرج این صوت در حنجرهٔ افغانها وجود ندارد (اما در صورت تمرین تولید شده میتواند) – در زبان دری صوت /هـ / هوز وجود دارد، اما (ماشین های تایپ فارسی) که قبلا ساخته شده بود، برای صوت /هه هوز/ دری/فارسی یک کلید مستقل نساخته بودند، در حالیکه علامهٔ همزهٔ عربی در ماشینهای تایپ وجود داشت، لهذا افغانها از کلید صوت همزهٔ عربی برای نوشتن /هـ - هوز/ کار می گرفتند- افغانها (/ابتداء/. /ابناء/. /ابتلاء/ را بدون علامت همزه (ابتدا- ابنا – ابتلا) می خوانند و می نویسند و صوت همزه در وسط کلمات / مسئول/. مؤظف – مؤنث. مؤسس را با /هـ - هوز/ تلفظ می کنند. این وضع در مورد کلمات عاریت شده (وامگیری شده) در تمام زبانها رایج است که کلمات اجنبی را تابع خصلت و اصول دستور زبان خود می سازند. چند مثال درین باب ذیل است:

- **یک) تطبیق نادرست قوانین دستور زبان اجنبی برزبان دری:** زبان دری که بیشترین کلمات را از زبان عربی عاریت گرفته، هم قوانین دستورعربی را بالای زبان خود تطبیق کرده و هم قوانین دستور زبان خود را بالای کلمات عربی و زبانهای دیگر تطبیق کرده است – مثالها ازین قرار است:

(الف) دری زبانها یکی از ادات جمع منظم عربی /. آت/ را که برای جمع مونث بکار میرود، در ترکیباتی از قبیل خرابات – روغنیات – انکشافات. میوه جات – سبزیجات و غیره به کار می برند.

(ب) کلمات عربی /اباطه – حظیره/ را (اباته – حضیره (هدیره)) و /طوس/ را (توس) می نویسند.

(ج) کلمات عربی /امور/ و /عملیات/ را که دارای مفهوم جمع میباشند، (امورات) و (عملیات ها) تلفظ میکنند، یعنی مفهوم جمع را دوچند میسازند.

(د) از کلمهٔ عربی /مرکز/ ترکیباتی از قبیل (تمرکز) و (متمرکز) ساخته اند که با قواعد علم صرف و اصول ساختمان و دستور زبان عربی مطابقت ندارد.

(هـ) اعداد 60 (شصت) و 100 (صد) را با حرف /ص/ می نویسند، در حالیکه /ص/ یک صوت عربی است و این دو کلمه باچنین املا در زبان عربی وجود ندارد- اما دلیل اینکه این دو کلمه با صوت عربی نوشته میشود اینست که اگر با صوت /س/ (شست) و (سد) نوشته شوند، معنی های دیگری در بر دارند، لهذا به خاطر جلوگیری از کثرت معنی، با حرف /ص/ نوشته می شوند. پنج مثال فوق نمونه هایی از عدم تطبیق قوانین دستور زبان است که در پروسهٔ وامگیری صورت می گیرد.

- **دو)** در پروسهٔ وامگیری معنی کلمات حفظ، اما تلفظ آنها تغییر می کند. مثلا: کلمات عربی (شطحیات – قفل – مخمل مزاح – قهر – مُعَلِم – کِبَر و امثالهم) را (چتیات – قلف – بخمل – مزاق – مَعلِم (مالم)– کِبر) تلفظ میکنند؛ کلمهٔ مغولی / آق سقال- (آق صقال)/ را (افسقال) تلفظ می کنند.

مثال دیگر، تلفظ واولها (اعراب) که در هر زبان معنی کلمات را تغییر میدهد، و در کلمات عربی بسیار اهمیت دارد، دری زبانها درین ساحه به خاطری چندان توجه نمی کنند که تلفظ و تطبیق واولها در زبان دری، مانند زبان عربی، مشکل و مغلق نیست، مثلا: کِبَر (به معنی بزرگی، پیری، سالخوردگی) را که ریشهٔ مشترک با (اکبر- کبیر- کبارت) دارد و باید (کِبَر سن) تلفظ شود، آنرا اکثر افغانها "کِبر سن" (کِبر به معنی غرور، خود خواهی) – و (مُشرِف) را (مُشَرَف) تلفظ می کنند. اما با وجود تلفظ نادرست، معنی درست آن کلمه را میدانند- درین کلمات نیز تلفظ تغییر کرده و اما معنی حفظ شده است.

- **سه)** در پروسهٔ وامگیری تغییر دیگر ازین نوع صورت می گیرد که اصالت تلفظ کلمات عاریت شده حفظ میشود، اما معنی کلمات تغییر می کند، به طورمثال: کلمهٔ (منقل)، در عربی: راه کوتاه – راهی به طرف کوه- و کفش کهنه معنی دارد، اما در زبان دری به معنی (آتشدان) رایج است و ما دو نوع منقل در افغانستان داریم، یکی برای پختن غذا که از آن به قسم اجاق کار گرفته می شود، دیگری منقل زیر صندلی است. کلمهٔ دیگر (شراب) است که درعربی بالای انواع مشروبات مایع اطلاق میشود، اما در زبان دری به معنی یکنوع مشروب خاص و نشه آور رایج است.

- **چهار)** نوع چهارم تغییر در پروسهٔ وامگیری ازین قراراست که هم معنی و هم تلفظ کلمات تغییر می کنند، به طور مثال کلمهٔ مغولی /سورسات/ در زبان مغولی به معنی خواربار وعلوفه که سلاطین به قسم مالیهٔ جنسی از رعایا می گرفتند، اما در زبان دری تلفظ آن به /سوغات/ تغییر کرده، و هم معنی آن به (تحفه ای که در انجام مسافرت آورده میشود) تغییر کرده ؛

کلمهٔ دری /گلاب/ را عربها /جلاب/ تلفظ کردند، چونکه در زبان عربی صوت /گ/ وجود ندارد، اما همین کلمهٔ /جلاب/ وقتی دوباره از عربی به دری عاریت گرفته شد، به معنی کاملا متفاوت، یعنی (مسهل) بکار میرود.

- **پنج)** کلماتیکه در پروسهٔ عاریت گیری با عین تلفظ و معنی باقی میمانند:

از زبان عربی: الله. مکتب – کتاب – مسلم – قران – رسول – آیت –آدم – مال – کافر – منافق و سایر کلمات مذهبی. به خاطر باید داشت که کلمات دینی (صلات و صیام) چونکه در فرهنگ قبل از اسلام زبان دری وجود داشت، معادل آنها (نماز و روزه) تا امروز رایج است.

اززبان ترکی: اتاق – باشی – بیگ – سنجاق – قابچی – قراول – یرغمل – تکمه – ساچمه – باجه (خویشاوند) و...

اززبان مغولی: آقا – اردو – ایلچی – نوکر – قورمه. تکمه و ... (زبانهای ترکی و مغولی ریشهٔ مشترک دارند).

پروسهٔ وامگیری (عاریت گیری) که درنتیجهٔ دادوگرفت بین فرهنگها ازطریق جنگ وفتوحات، تجارت، مهاجرت و انتقال علوم وتکنالوژی رشد میکند، ازهمه اولتر زبان رامتاثرمیسازد، کلمات نو با تلفظ ومعانی مختلف وارد زبان میشوند که نه تنها غیرقابل اجتناب، بلکه روز افزون است. زبان سچه وخالص در جهان وجودندارد.

ستون پنچم (E)، قاموس نگهت –هاشمیان، یعنی ستون مخصوص تشریحات اضافی است: اگر معلومات اضافی در مورد یک کلمه زاید از آنچه در قاموس نگهت وجود دارد موجود باشد، یا لازم دیده شود، درین ستون درج میشود.

قابل یاد آوریست که عدم استعمال (همزه و تنوین) که داکتر صاحب درین قسمت نوشتهٔ شان به آن اشاره نموده اند که:
اول:- نظر به شرائط مطبوعاتی وقت در چاپ رساله ها و روز نامه های آن زمان تطبیق همزه و تنوین مراعت نمی شده، چونکه ماشین های تایپ قدیمی کلید این حروف را در خود نداشتند و این امکانات نبود.
دوم:- مرام از استفادهٔ قاموس مرحوم نگهت بیشتر برای رفع مشکلات ادبی و فرهنگی امریکائی ها و نسل جوان افغانی که در امریکا بزرگ شده اند، بوده که استعمال (اعراب و تنوین) آنچنانی که باید ضروری پنداشته نشده است.
اما؛ قسمی که ما از آغاز کار پروژهٔ قاموس کبیر افغانستان تا امروز گفته آمدیم، هدف ایجاد این قاموس همانا حفظ اصالت زبان دری با همه جزئیات آن بوده و یکی از دلایل عمده در ایجاد آن کمبود همین (اعراب و تنوین و همزه) بوده است که کمپیوتر ها درین عصر تخنیک و تکنالوجی که با این سرعت در حرکت است، همان چیزی را میخواند و بیرون میدهد که برایش داده میشود. بدون شک افغانان و ایرانیان همه (اصلا را اصلاً و قبلا را قبلاً) میخوانند و میدانند که هدف چیست اما کمپیوتر (اصلا را اصلا و خصوصا را خصوصا) میخواند. فقط زمانی کمپیوتر اصلاً را اصلاً میخواند که «اصلن» نوشته شود و ما و شما همه میدانیم که این صورت تحریر «اصلن» درست نیست. همین موضوع در قسمت اعراب و همزه هم صدق میکند. ازینرو به جز از بخش (نگهت هاشمیان) که مسئلهٔ امانت داری هم رول خودش را بازی میکند باقی در همه بخش های قاموس استعمال اعراب و تنوین و همزه تجویز شده است. (شما میتوانید برای وضاحت بیشتر این پرابلم تخنیکی به مقالات قبلی ما زیر عنوان (Text to Speech) نوشتار و گفتار و (اعراب را فراموش نکنیم) درین باره نوشته و نشر گردیده است مراجعه نموده سیستم تخنیکی آنرا با اشکال و توضیحات آن مطالعه فرمائید.

صالحه واهب واصل

محتوی لغوی قاموس نگهت – هاشمیان

اکنون که که ستونهای پنجگانهٔ این قاموس با محتوی دستوری آنها در بالا تشر یح گردید، لازم می افتد هموطنان محترم را به محتوی لغوی آن آشنا بسازیم. قاموس دری – انگلیسی پوهاند نگهت شامل 138 20 لغت زبان دری می باشد که کلمات شامل الفبای این زبان را از حروف / آ – الف. ب – ت – ث –ج – ح – خ. ... ی / به صورت "گلچین" احتوا کرده است. همه میدانیم که فرهنگ زبان دری (به استناد فرهنگ دهخدا) از یک لک لغت هم بیشتر دارد و به اساس یک اصل قبول شده در علم زبان شناسی، تعداد کلمات و ساختمان های لفظی در هر زبان لایتنهاهی می باشد. اینک به طور نمونه دو کلمهٔ وامگیری شده در زبان دری، یکی عربی و دیگری انگلیسی، که مراحل تابعیت را طی کرده و جزء زبان و تابع دستور زبان دری شده، با ترکیباتی که از آنها ساخته شده، گزارش می یابد:

انسان (عربی): انسان دوست – انسان دوستانه. انسان دوستی – انسان شناس. انسان شناسی. انسانی. انسانیت – ناانسان. او بسیار انسان است – او انسان نیست –انسان بدخوی – انسان بدعمل – انسان ناسپاس –انسان خرصفت – انسان خطرناک – انسان رسوا – انسان دروغگوی- انسان غیر قابل اعتماد – انسان بدنیت – انسان شریف. و....

موتر (انگلیسی): موتر ران (وان) – موترفروش – موتر سوار- موتردزد – موتر دزدی. موترفروشی- موترسازی – موترشویی – موتر تیز رفتار- موتر لاری – موتر چکله – موتر غرازه – موتر لوکس – سامان موتر – پرزه فروشی موتر – ارابه موتر – اشترنگ موتر – آئینه موتر– برک موتر – تیل موتر – دود موتر– کثافات موتر – سرعت موتر – تصادم موتر- بیمه موتر- مالیه موتر و...

چنانچه در بالا در بخش تاریخچهٔ قاموس دری- انگلیسی پوهاند نگهت توضیح شده، هدف اصلی از تدوین این قاموس، از جانب تمویل کنندهٔ آن (پوهنتون نبراسکا)، انتخاب یک مجموعهٔ کلمات " گلچین" از فرهنگ زبان دری برای رفع ضرورت امریکائیانی بوده که زبان دری را آموخته و یا می آموزند- بنابرین پوهاند نگهت نیز با تتبع و مرور در قاموس های دری/فارسی تدوین شده در هندوستان و ایران، از هر ردیف (حرف- صوت) الفبای زبان دری همان کلمات مورد ضرورت خارجیان را در قاموس خود انتخاب کرده که درین زمان در جامعهٔ دری زبان افغانستان رایج و مفهوم می باشند- باید این اصل دیگر علم زبان شناسی را نیز به خاطر داشت که کلمات زبان به مرور زمان با تغییر معنی مواجه می شوند، حتی متروک می گردند. خصوصا در جوامع صناعتی و پیشرفته هر نسل زبان خود را تبارز میدهد.

وقتی من کلمات شامل در چهار ردیف الفبا را از قاموس دری-انگلیسی نگهت به زبان دری برگرداندم، ملتفت این واقعیت شدم که این قاموس جنبهٔ تربیتی برای خارجیان داشته، که نه تنها کلمات مورد ضرورت برای آنها، بلکه اصول ساختمانی کلمات زبان نیز با اختصار توضیح شده- معهذ ا این قاموس از فرهنگ غنی و وسیع زبان دری، آنطور که مورد نیاز یک دری زبان است، نمایندگی نمی تواند. بنابران چهار ردیف را به طور نمونه در مدت بیشتر از یکسال تکمیل کردم، که قرار ذیل است:

ردیف / آ / = / aa / مشتمل بر 526 کلمه – ردیف / الف/ = / a / مشتمل بر 1982 کلمه – ردیف / ذ/ = / z/ مشتمل بر 85 کلمه – ردیف /ص/ = / s / مشتمل بر 240 کلمه – مجموعا 2840 کلمه.

این نمونه به نماینده گی از یک قاموس تربیتی – و نه قاموس فرهنگی. در (قاموس کبیر افغانستان) بیشتر به درد کسانی میخورد که خواسته باشند با اصول و اسلوب قاموس نگاری آشنا شوند – قاموس نویسی یک علم است که ما در بخش اخیر این مقدمه در آنباره صحبتی خواهیم داشت.

در تکمیل ردیف های فوق الذکر، باز خوانی و فراخوانی همه کلمات و ردیف ها توسط محترمه پوهندوی شیما غفوری (و استاد ادب دری) صورت گرفته که علاوه براصلاح اشتباهات تایپی، پیشنهادات مفیدی نیز در بعضی موارد ارائه کرده اند – بدون همکاری صمیمانهٔ این دانشمند محترم نقیصهٔ چشمان ضعیف هاشمیان رفع شده نمی توانست – اجر این خدمت "خدای پجات" را از خداوند برای شان استدعا می کنم- ردیف های / ذ / و / ص/ که کاملا شامل کلمات عربی تابع دستور زبان دری می باشند، در تکمیل آنها دانشمند محترم آقای احمد فواد ارسلا همکاری نموده که از زحمات شان اظهار تشکر و امتنان می کنم – خانمی بنام (اصیلاجان) از همکاران نزدیک محترمه استاد شیما غفوری، ستونهای (A) و (B) 240 کلمهٔ اخیر ردیف / الف/ را تایپ کرده و نیت همکاری بیشتر هم داشتند، تشکرات مارا بپذیرند.

دوستان و همکاران محترم ما استاد صالحه واهب واصل و انجنیر قیس کبیر از طریق پیامهای تلفونی و ایمیل ها همیشه پیشنهادات خوب توام با تشویق فرستاده و البته کار مشکل و بغرنج امور کامپیوتری و شامل ساختن جدول های این قاموس در "دیتابیس"، به حیث یک پروژهٔ کوچک و نمونه در (قاموس کبیر افغانستان)، بدوش و عهدهٔ ایشان می باشد، و درین کار خیر و خدمت ملی، از دعا و همکاری همه وطن دوستان برخوردار می باشند. محترمه استاد صالحه واصل در آغاز کار این پروژه، 325 کلمهٔ ردیف / آ/ را باز خوانی کرده بود، اما به خاطر ثقلت کار های اداری و کامپیوتری پورتال افغان – جرمن آنلاین، وظیفهٔ بازخوانی جدول ردیف ها به محترمه استاد شیما غفوری محول گردید.

با همه سعی و اهتمامی که ازجانب من و محترمه پوهندوی شیما غفوری در زمینهٔ تصحیح اشتباهات صورت گرفته، میدانم که هنوز هم اشتباهات تایپی، املایی وغیره در ستون های مختلف قاموس نگهت – هاشمیان وجود داشته و به چشمان تیزبین دانشمندان افغان برخورد خواهند کرد – درین صورت خواهشمندم تصحیح اشتباهات را توام با نظریات خود، به هر یک از اعضای تیم کاری این پروژه که لازم دانند، مخابره نموده درین کار خیر شامل شوند.

LEXICOGRAPHY قاموس نگاری.

قاموس نگاری شعبه ای از علم زبانشناسی است که اصول علمی و معیار های خاصی دارد و آنرا (لغت شناسی) نیز گویند، یعنی کلمات و عناصر معنی دار یک زبان را به ترتیب الفبایی و ردیف وار فهرست و معانی آنها را در عین زبان تشریح می کنند. البته در مقابل هر کلمه ماهیت دستوری آن (حرف، وند، اسم، فعل، عدد، ضمیر، صفت، قید و غیره) با علامهٔ اختصاری (مخفف) آنها ذکرمیشود. کلمات اجنبی که عاریت (وامگیری) شده باشند، هویت آنها و در صورتیکه به تغییر معنی یا تغییر تلفظ مواجه شده باشند، توضیح می شود.
ما درینجا از ذکر تاریخ قاموس نگاری که قدامت آن به یونان باستان میرسد و بعد از آن اروپائی ها، هندوستانی ها، عرب ها و چینایی ها هر کدام قاموس زبان خود را نوشته اند، صرف نظر می کنیم – اینقدر معلوم است که زبان دری در نتیجهٔ فتوحات سلطان محمود غزنوی در هندوستان راه یافته و در عهد زمامداری سلاطین مغول بیشتر مورد توجه قرار گرفته، زبان دربار آن عصر شده بود- بنابر آن قاموس زبان دری بار اول در هندوستان نوشته شده و در ظرف 400 سال در حدود بیست قاموس در آنجا تدوین گردیده که معروفترین آنها در نزد افغانها (غیاث اللغات) می باشد. استاد سید مسعود فارانی مختصر تاریخچهٔ قاموس نگاری را در هندوستان نوشته و در پورتال وزین افغان – جرمن آنلاین نشر کرده است.
قاموس نویسان باید با علم الاصوات یا آواشناسی (PHONOLOGY) که (فونیم ها) واحد های صوتی، یعنی حروف شامل درالفبای زبان را تشخیص میکند – با علم صرف یا ساختمان کلمات (MORPHOLOGY) که (مورفیم ها) واحد های لفظی زبان را که از واحد های صوتی تشکیل می شوند، تشخیص می کند و با علم ریشه شناسی (ETYMOLOGY) که شعبهٔ مهم علم مارفالوجی می باشد و ریشه های متولد از عین زبان را تشخیص و از آن طریق قرابت و همریشگی زبان های دارای ریشهٔ مشترک را شناخت و تثبیت می کند، آشنا باشد.
هر یک از علوم فوق الذکر شعبات مهم و مختلف دارد.
زبان ها از لحاظ خصوصیات ساختمانی و خصلت طبیعی خود به سه نوع شناخت و تشخیص شده اند:
زبانهای /اشتقاقی. DERIVATIONAL یا INFLECTIONAL / (زبانهای متعلق به خاندان **زبانهای سامی (سمتیک)** که نمایندهٔ برازندهٔ آن زبان عربی می باشد). **زبانهای /پیوندی.** AFFIXATIONAL / (زبانهای شامل در خاندان زبان های هند و اروپایی به شمول زبان دری/فارسی و زبانهای هندوستان) – **زبانهای/ التصاقی.** / AGGLUTINATIVE (زبانهای متعلق به فامیل زبانهای مغولی و ترکی) که آنها را **"زبانهای زنجیره ای"** نیز خوانند، زیرا درین زبان ها ساختمانی به نام "میان وند" وجود دارد که کلمات زبان را به هم می چسپاند.
مورفیم شناسی را در زبان عربی به نام (علم صرف) نیز می خوانند- این علم از اقسام مورفیم ها (کلمات)، ترتیب، تغییر، ترکیب، ساختمان یا به عبارت دیگر نظام کامل مورفیم های یک زبان را مطالعه و بحث می کند. باید ملتفت بود که علم صرف در زبان های (اشتقاقی) مانند زبان عربی رول بسیار مهم و ضروری بازی می کند، اما در زبانهای (پیوندی) مانند زبان دری/فارسی که اجزای کلام آنها از وند ها ساخته می شوند، چندان مورد نیاز و ضرورت نمی باشد. ثبوت این ادعا را میتوان در مثالی از نوشته های جناب انجنیر خلیل الله معروفی مشاهده نمود.
موصوف که از طریق مطالعات شخصی در علم صرف و زبان عر بی بلدیت و تصرف کافی کسب نموده، در یک مقالهٔ شان به عنوان "بوسه و پرستش"، مؤرخ 3 آکست 2015، منتشرهٔ وبسایت (افغانستان آزاد- آزاد افغانستان)، پیرامون کلمهٔ عربی (مرکب) که معنی معادل آن در زبان دری (الاغ – خر) تلفظ میشود، در یک پاورقی توضیحاتی ارائه کرده که خلص آن قرارذیل است:
("مرکب" (بر وزن /مقطع/ و /مرهم/ و /منفذ/ و /مجمع/) در ذات خود اسم مکان از مصدر ثلاثی مجرد "رکوب" است و "رکوب" در معنی "سوار شدن" که اسم فاعل آن "راکب" میشود و جمع عربی آن "راکبین" و "رکاب" است، و کلمهٔ "رکاب" نیز از همین مصدر برخاسته است. در افغانستان بعضا جمع عربی "راکبین" را به جای "سواریها" استعمال می کنند، چون "راکبین" جمع کلمهٔ مذکر "راکب" است و شامل "راکبه ها" یعنی "زنان نمی شود"، پس کلمهٔ راکبین چه در لسان عربی و چه در لسان خو دما "دری" کاملا نا شامل است...)
از اقتباس فوق به ارتباط عملیهٔ "صرف" در زبان عربی به چند موضوع ملتفت می شویم:

- **یک)** اینکه در زبان دری "مصدر ثلاثی مجرد" و مصادر دیگری ازین قبیل وجود ندارند – زبان عربی که یک زبان اشتقاقی است، از هر مصدرآن مشتقات مختلف ساخته میشود، اما زبان دری که یک زبان (پیوندی) است، از مصدر آن فقط دوجزء (مضارع و ماضی) ساخته میشود.
- **دو)** آقای انجنیر معروفی کلمهٔ "مرکب" را در زبان عربی "اسم مکان" معرفی می کند، ولی در زبان دری چه به معنی حیوان (الاغ – خر) و چه به معنی فرعی آن (سوار شدن، راکب و رکاب)، این کلمه اسم مکان

شناخته نمی شود- بنابر آن از تفسیر فوق یک اختلاف **مهم** در ساختمان معانی کلمات این دو زبان ظهور می کند.

- **سه)** زبان عربی بالای "تجنیس"، یعنی شناخت (مذکر و مؤنث) استوار است، مثلا: (راکب – راکبه)، اما زبان دری تجنیس را در کلام نمی شناسد و علامت تجنیس ندارد.
- **چهار)** زبان عربی هم رسم جمع منظم (راکبین) وهم رسم جمع غیر منظم (رکاب) دارد، اما زبان دری تنها یک رسم جمع منظم دارد شامل دو پسوند که /-آن/ و /- ها/ می باشند.

از مشاهدات فوق به این نتیجه می رسیم که در نتیجهٔ تعاملات پروسهٔ وامگیری در 1400 سال، کلمات عربی در تحت تاثیر دستور زبان دری با تغییر تلفظ یا تغییرمعنی مواجه شده، قاموس نویس باید کلمات عربی و اجنبی را همانطور که امروز در زبان دری تلفظ و نوشته می شوند، در قاموس خود شامل سازد و هم تلفظ آنها را به حروف لاتین با تشخیص سیلاب ها درج نماید. به طور مثال، کلمهٔ عربی (مُـعَـلِـم) به ضم /م/. فتح /ع/. کسر/ل/. در زبان دری به معنی (استاد، آموزگار، آخند) قبول شده و بدون "شدت" بالای صوت/م/ تلفظ می شود، ولی همین کلمه با اندک تغییر تلفظ در زبان عربی، دو معنی دیگر هم دارد. مردم افغانستان، (به استثنی حافظ ها، ملاها و فارغان مدارس دینی)، کلمهٔ (مُعَلِم) را /مالم/ و (حضرت) را /ازرت/ تلفظ میکنند- بنا بران قاموس نگار باید تلفظ عامیانهٔ کلمات اجنبی را به حروف لاتین در قاموس خود درج نماید.

کلماتی که از زبان های اروپایی وامگیری شده، مثلا (موتر– اشترنگ و سایر پرزه جات موتر– رادیو – تلویزیون و غیره)، افغان ها این کلمات را مطابق تلفظ اصلی آنها تلفظ نمی کنند- قاموس نگار باید اصالت معنی، املا و تلفظ آنها را وهم تغییر معنی و تلفظ شانرا در زبان دری در قاموس خود به حروف لاتین درج کند. ختم

این مقدمه اگرچه به طول انجامیده، اما اهم مقتضیات قاموس نگاری را در بر دارد که امید است اهل خبره آنرا ناخوانده نمانند. به انتظار نظریات و انتقادات شما هموطنان محترم .

با عرض احترام - سیدخلیل الله هاشمیان . 14 آگست